

جرم‌شناسی تأثیر آثار سینمایی بر اطفال و نوجوانان معارض با قانون

سجاد مظفری زاده^۱، جعفر کوشا^{۲*}، محمد حسین حجازیان^۳

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۹

چکیده

هدف: هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی ریشه‌های احتمالی وقوع رفتارهای معارض با قانون اطفال و نوجوانان که می‌تواند آثار سینمایی باشد بود.

روش: روش تحقیق در پژوهش انجام شده «توصیفی - تحلیلی» بود که از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و با بررسی متون مربوطه و محتوای مطالب گردآوری شده به توصیف و تشریح موضوع اصلی پرداخته شد؛ جامعه آماری و حجم نمونه در پژوهش حاضر سه گروه از افراد بودند؛ گروه نخست تعداد ۱۰۰ نفر از متخصصین حوزه‌های گوناگون علوم انسانی از جمله روانشناسان، قضات محاکم کیفری، وکلای دادگستری، ضابطان قضایی، جامعه‌شناسان و...؛ گروه دوم تعداد ۵۰ نفر از مددجویان پسر مقیم در قانون اصلاح و تربیت؛ گروه سوم تعداد ۵۰ نفر از اطفال و نوجوانان شاغل به تحصیل در خارج از قانون اصلاح و تربیت به عنوان نمونه عادی (بدون سابقه حضور در قانون اصلاح و تربیت). شیوه انتخاب نمونه به طور تصادفی و با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده به گونه‌ای که همه افراد جامعه آماری شانس مساوی داشتند، صورت پذیرفت. ابزار مورد استفاده در پژوهش حاضر پرسشنامه محقق ساخته بود. پرسشنامه‌های تکمیلی با نرم‌افزار SPSS تحلیل و با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون میزان همبستگی بین جرایم اطفال و نوجوانان با برخی متغیرها نشان داده شد.

یافته‌ها: نتایج حاصل از پژوهش نشان داد اطفال و نوجوانان از آثار سینمایی الگوبرداری نموده و از طریق یادگیری مشاهده‌ای، یعنی یادگیری از راه مشاهده رفتار افراد دیگر و ملاحظه پیامدهای آن رفتار به رفتارهای معارض قانون مبادرت می‌ورزند. همچنین رابطه معناداری بین تماشای آثار سینمایی و رفتارهای معارض قانون قابل مشاهده بود.

نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌های پژوهش ژانرهای جنایی بیشترین تأثیرگذاری بر اطفال و نوجوان در بروز رفتارهای مجرمانه علیه اشخاص و اموال را دارد.

واژگان کلیدی: جرم؛ آثار سینمایی؛ معارض با قانون؛ اطفال و نوجوانان

^۱ فارغ‌التحصیل دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی، پژوهشگر مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

^۲ دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). jkoosha@yahoo.com

^۳ استادیار، گروه حقوق، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران

مقدمه

امروزه سینما محبوب‌ترین تولیدات هنری را ارائه می‌کند. برخی معتقدند آثار سینمایی چنان قدرتی دارند که می‌توانند نسلی تازه از بشر در تاریخ پدید آورند. لازرسفلد و مرتون در تشریح این عقاید متفکران می‌گویند: وسایل ارتباط جمعی جدید ابزاری بس نیرومندند که می‌توان از آن در راه خیر و شر با تأثیری شگرف سود بود و چنانچه کنترل مطلوب وجود نداشته باشد، امکان استفاده از این وسایل در راه شر بیشتر از خیر آن است (ستوده، ۱۳۸۵). برخی، آثار سینمایی را جایگزینی برای فرهنگ می‌دانند از این رو آثار سینمایی یکی از عوامل مؤثر بر رفتارهای معارض قانون اطفال و نوجوانان می‌باشند. اثر این تولیدات در وقوع جرم مخصوصاً از آن رو است که این محصولات همه زندگی بشری را یکسره دربر می‌گیرد (ساروخانی، ۱۳۸۰: ۱۱۷). اندیشیدن درباره تأثیر رسانه‌های تصویری دارای پیشینه‌ای تاریخی است. این اندیشه‌ها تحت تأثیر شرایط زمانی و مکانی شکل گرفته و بسیاری از عوامل محیطی مانند منافع دولت‌ها و قانون‌گذاران، نیازمندی‌های صنایع، فعالیت‌های گروه‌های ذی‌نفع اجتماعی و مقاصد سیاسيون همگی بر این اندیشه‌ها تأثیر نهاده‌اند (هرمز، ۱۳۸۸).

برخی از نظریه‌پردازان مکتب فرانکفورت نظیر مکس هورکهایمر، تئودور آدورنو رسانه را یک صنعت فرهنگی می‌دانند که بر دریایی از افراد منفعل اثر گذاشته و تنها هر نوع اطلاعاتی را که در معرض آن قرار می‌گیرند، جذب می‌کنند. علت این امر کالایی شدن فرهنگ است که امکان دستکاری توسط سوداگران را مهیا می‌کند (صیاد، ۱۳۹۴). در ایران صدها نوع رفتار معارض قانون توسط اطفال و نوجوانان رواج دارد که برخی از آن‌ها عبارتند از غیبت از مدرسه، دروغگویی مداوم، شرکت در پارتی، توزیع آثار تصویری مبتذل و عکس‌های سکسی، شرب خمر و... در شروع دوره بلوغ نوجوان می‌خواهد بداند چه شأن و منزلتی در اجتماع دارد و نقش خود را چگونه باید ایفا نماید، اما همواره به آسانی به امیال خود نائل نمی‌شود و ممکن است در این راه به ارتکاب رفتارهای معارض قانون دست زند (دانش، ۱۳۸۹). در این پژوهش تلاش بر آن است که با تمرکز بر عنصری به نام «آثار سینمایی» پی برد که تا چه اندازه این پدیده در شکل‌گیری رفتارهای معارض قانون اطفال و نوجوانان دارای تأثیر می‌باشد. از این رو فرضیاتی بیان شده که تمام تلاش محقق سنجش آنها است. ۱- آثار سینمایی بر رفتارهای معارض با قانون اطفال و نوجوانان تأثیرگذار است؛ ۲- تأثیرپذیری اطفال و نوجوانان از آثار سینمایی از طریق یادگیری مشاهده‌ای و فرایند مدل‌سازی است؛ ۳- آثار سینمایی در سوق دادن اطفال و نوجوانان به سوی ارتکاب رفتارهای معارض با قانون علیه اشخاص و اموال بیشترین تأثیر را داراست. ۴- آن دسته از آثار سینمایی که در آن‌ها خشونت و هنجارشکنی به صراحت نمایش داده می‌شود، بیشترین تأثیر را بر رفتارهای معارض با قانون اطفال و نوجوانان از خود بر جای می‌گذارند.

غالب جرم‌شناسان جرم را پدیده‌ای اجتماعی می‌دانند و معتقدند که بدون تشکیل اجتماعات بروز جرم قابل تصور نیست، چون فرد در انزوا زمینه‌ای برای ارتکاب بزه ندارد. انریکوفری هر عمل ضد اجتماعی را که به حقوق جامعه زیان وارد آورد را جرم تلقی می‌نماید. گابریل تارد جرم را تجاوز به حق و وظیفه توصیف می‌کند (مظفری‌زاده، ۱۳۹۱). دورکیم جامعه‌شناس فرانسوی نیز بزه را چنین تعریف می‌کند: هر عملی وقتی جرم محسوب می‌شود که احساسات قوی و مشخص وجدان جمعی را جریحه دار سازد. (کی‌نیا، ۱۳۸۷). اطفال و نوجوانان معارض قانون از نگاه جرم‌شناسی به افرادی اطلاق می‌شود که از معیارهای تعیین‌شده توسط اجتماع منحرف می‌شوند؛ آن معیار می‌تواند مواردی چون هنجارهای اجتماعی باشد و یا قانون، البته رفتارهای معارض با قانون این قشر دارای شدت و ضعف فراوان است، مثلاً از یک سرقت ساده یا فرار از مدرسه شروع و به انواع هنجارشکنی‌ها و جنایاتی مانند قتل منتهی می‌گردد. (محمدی اصل، ۱۳۸۵). جذابیت سینما و تلویزیون در میل به آثار جذاب آن و زیستن در جهانی تخیلی و هیجان‌انگیز همراه با جداسدن از زندگی واقعی است و هرگاه محتوای آثار سینمایی جرم باشد، روح ماجراجویی را در اطفال و نوجوانان بیدار کرده و از آن‌ها عواملی ضد اجتماعی خواهد ساخت (شامبیاتی، ۱۳۷۸). نگرانی از خشونت در فیلم‌ها به طور مشخص با زمینه رشد اخلاقی کودک مرتبط است. بیش از ۲۰ سال آزمایش‌های میدانی و تحلیل رفتارهایی که به صورت طبیعی بروز می‌کند، به این برداشت منجر شده که صحنه‌های خشونت‌آمیز بر رفتارها و باورهای اطفال و نوجوانان پیامد منفی قطعی دارد (بیابانگرد، ۱۳۸۹). آثار سینمایی

آفریننده جرم نیستند، بلکه کسانی را که وضعیت خاصی در زمینه ارتکاب جرم دارند، چون انگیزه موافقت و همراهی آنان را تشدید کرده و تمایلات نهان را بیدار می‌کند، سریع‌تر اقدام به الگوبرداری می‌کنند (شیخاوندی، ۱۳۸۶). افراد هنگامی که به تماشای فیلم می‌نشینند، ضمیری چون لوح سفید ندارند، بلکه قبلاً زمینه انفعالی پیدا کرده‌اند و انتخاب نوع فیلم جهت تماشا، به دلیل اندیشه پیش ساخته آنان است.

بنیانگذار مکتب فرانکفورت «آدورنو» معتقد است در موقعیت کنونی وسایل ارتباط جمعی کارکرد و رسالتشان را به عنوان نهادهای آگاهی‌بخش رها کرده، به نشر مطالبی با محتوای سرگرم‌کننده و تخدیرکننده اذهان می‌پردازند که ارمغان آن تقویت جنبه‌های خیال‌پردازی، هنجارشکنی‌ها است و معتقد است آثار سینمایی مانع رشد تخیل فرد شده و باعث انحرافات گسترده در افراد می‌شود (خادمیان، ۱۳۸۷). آدورنو معتقد است ستاره‌های سینما و سریال‌ها به الگوی مخاطبان این رسانه‌ها تبدیل شده و اکثر بینندگان انتهای آرزوی‌شان را در هم‌رنگ‌سازی خود با این ستاره‌ها جستجو می‌کنند، دنباله‌رو آن‌ها در سبک زندگی شده که به تبع آن احتمالاً تدریجاً به هنجارشکنان اجتماعی تبدیل میشوند. (مصطفایی، ۱۳۸۸).

از نگاه نظریه یادگیری اجتماعی^۱ رفتار از دو طریق کسب می‌شود: تقویت، سرمشق‌گیری. فرایند تقویت مبتنی بر این اصل است که رفتار را نتایج خودش تغییر می‌دهد. یادگیری اجتماعی از طریق مشاهده رخ می‌دهد. این نظریه در تبیین رفتارهایی چون خشونت، توسط آلبرت بندورا به کار گرفته شده است (ستوده، ۱۳۸۶). برای تبدیل رفتار مشاهده شده به رفتار از سوی فرد، لازم است آن رفتار در ذهن او تثبیت شود و سپس به رفتار عملی تبدیل گردد. ابعاد تنبیهی و تشویقی رفتار و وجوه انگیزه لازم برای انجام عمل از مواردی است که در تبدیل ذهنیت به رفتار مؤثر است (علیوردی‌نیا، ۱۳۸۶). اگرچه همه کودکانی که در خانواده‌های خشن هستند، در بزرگسالی لزوماً رفتارهای خشونت‌آمیز از خود نشان نمی‌دهند، اما وجود تاریخچه خشونت در خانواده‌ها، خطر وقوع آن را در بزرگسالی افزایش می‌دهد (معظمی، ۱۳۹۰). این نظریه در خصوص یادگیری از طریق آثار سینمایی نیز صادق است و در بسیاری موارد شاهد ارتکاب رفتارهای معارض قانون اطفال و نوجوانان تحت تأثیر یادگیری از طریق این آثار هستیم.

رابرت مرتون معتقد است از یکسو اهداف تعریف‌شده‌ای در جامعه وجود دارد (اهداف مجاز) و از دیگر سو جامعه ابزار قانونی برای دستیابی به آن اهداف در اختیار افراد می‌گذارد. زمانی خلأ هنجاری به وجود می‌آید که بین اهداف و ابزار در دسترس، توازن وجود نداشته باشد، در این شرایط برای افراد تنش به وجود می‌آید. (مظفری زاده، ۱۳۹۱). این شکاف بین وسایل و هدف باعث به وجود آمدن واکنش‌هایی می‌شود: ۱- همنوایی: با وجود ثبات جامعه، بسیاری، هم اهداف و هم وسایل را قبول دارند. در این حالت جرم واقع نمی‌شود؛ ۲- نوآوری: برخی، اهداف را قبول دارند، چون وسایل دستیابی به آنها را ندارند، برای رسیدن مرتکب جرم می‌شوند؛ ۳- آیین منشی: شامل افرادی غیراجتماعی می‌شود که آرمان‌گرا نیستند، اما به قواعد معمول زندگی احترام می‌گذارند؛ ۴- کناره‌گیری: فرد هدف و وسیله، را کنار گذاشته و نوعی بی‌تفاوتی پیشه می‌کند، مثل ولگردان و خانه به دوش‌ها؛ ۵- طغیان: کسانی که اهداف و وسایل را غیر قانونی می‌بینند و چون بیرون رانده شده‌اند، دست به طغیان می‌زنند. اهداف و وسایل را قبول دارند، اما نه در جامعه فعلی (مظفری‌زاده، ۱۳۹۱). چون توانایی دستیابی به خواسته‌های خود را از طرق معقول پیدا نمی‌کنند، منجر به گرایش به رفتارهای مجرمانه می‌گردد (معیدفر، ۱۳۸۶).

نظریه کاشت گریز، بر نحوه تأثیرگذاری رسانه بر مخاطبان تأکید دارد این نظریه به تأثیر محدود رسانه‌ها اشاره می‌کند و مبتنی بر این اصول است که رسانه شرط لازم و کافی برای تأثیرگذاری بر مخاطب به شمار نمی‌رود، بلکه آن‌ها تنها از طریق سایر عوامل، می‌توانند دارای تأثیر باشند. (سورین، تانکار، ۱۳۸۶). همچنین عمل عوامل واسطه‌ای چنان است که سبب می‌شود رسانه‌ها تنها به صورت یک عامل محرک در فرایند تأثیرگذاری عمل کنند و نه به منزله تنها عامل تأثیرگذار و به عبارتی تنها نقش تقویت کننده را بازی می‌کنند. این عوامل واسطه‌ای شامل: فرایندهای انتخابی، هنجارهای گروهی و مانند آن است. چنین موضعی که بر محدود بودن تأثیر رسانه‌ها دلالت دارد، قانون نتایج حداقل نامیده می‌شود (کریمی‌فرد، ۱۳۸۵). طبق نظریه استحکام یا تأثیر محدود که توسط

لازارسفلد و مرتون در اواخر دهه ۱۹۴۰ مطرح شد پیام‌های ارتباطی در رسانه‌ها دارای تأثیر حداقلی هستند. پیام‌ها قادر نیستند نظریه استحکام، تأثیر پیام‌های ارتباطی بر نگرش مخاطب را محدود و عمدتاً در جهت تقویت عقاید و باورهای قبلی می‌داند (هلمز، ۲۰۰۵). اطفال و نوجوانانی که بیشتر از آثار سینمایی هنجارشکن استفاده نموده‌اند، آمادگی بیشتری برای جذب در دسته‌های بزه‌کاران را دارند. به عبارتی، نوجوانانی که کم‌تر به استفاده از آثار سینمایی می‌پردازند، تمایلی برای پیوستن به این باندها ندارند (رگلی، ۱۹۹۹). نخستین بررسی علمی در مورد رفتار و حالات بزه‌کاران در برابر تلویزیون، از سوی هالوران روانشناس انگلیسی، در سال ۱۹۷۰ انجام شد. نتایج نشان داد که اثر تلویزیون بر زندگی افراد غیر بزه‌کار به مراتب بیشتر از بزه‌کاران است. در خصوص اثرات آثار سینمایی خشونت‌بار بر اطفال پژوهش‌های هیملویت، اوپنهم و وینسه نشان از اثر کم تلویزیون بر خشونت کودکان دارد. (داوسون، ۲۰۰۱: ۱۲۸). نتایج تحقیق صمدیار (۱۳۹۱ ش.) نشان می‌دهد تلویزیون از عواملی است که در تربیت، بالابردن شعور اجتماعی نوجوانان نقش مؤثری ایفا می‌کند و اگر جهت آن برخلاف صلح عمومی جامعه باشد، بزهکاری را در پی خواهد داشت (صمدیار، ۱۳۹۱: ۴۸۵).

روش پژوهش

پژوهش پیش رو در دو بخش تحقیقات کتابخانه‌ای و میدانی انجام شد. در بخش مطالعات کتابخانه‌ای به بررسی پژوهش‌های پیشین در حوزه تأثیرات آثار سینمایی بر رفتارهای معارض قانون اطفال و نوجوانان پرداخته شد و همچنین نظریاتی که توسط جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان در این خصوص ارائه شده بود، به دقت مطالعه و فیش‌برداری شده و مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. مطالعات میدانی قبل از هر امری به تبیین جامعه آماری، حجم نمونه، ابزار اندازه‌گیری، نحوه گردآوری اطلاعات و نمونه‌گیری وابسته است. جامعه آماری و حجم نمونه در پژوهش حاضر سه گروه از افراد بودند.

گروه نخست تعداد ۱۰۰ نفر از متخصصین حوزه‌های گوناگون علوم انسانی از جمله روانشناسان، قضات محاکم کیفری، وکلای دادگستری، ضابطان قضایی، جامعه‌شناسان و...؛ گروه دوم تعداد ۵۰ نفر از مددجویان پسر مقیم در کانون اصلاح و تربیت؛ گروه سوم تعداد ۵۰ نفر از اطفال و نوجوانان شاغل به تحصیل در خارج از کانون اصلاح و تربیت به عنوان نمونه عادی (بدون سابقه حضور در کانون اصلاح و تربیت). شیوه انتخاب نمونه به طور تصادفی و با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده به گونه‌ای که همه افراد جامعه آماری شانس مساوی داشتند، صورت پذیرفت. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده که از ابزار و تکنیک «پرسشنامه» برای نیل به اهداف استفاده شده است که پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها به کمک نرم‌افزار SPSS در دو بخش توصیفی و تحلیلی مورد بررسی قرار گرفتند. در بخش توصیفی با استفاده از شاخص‌های وضعی در قالب ارقام به توصیف داده‌ها پرداخته‌ایم و در بخش دوم با استفاده از تکنیک‌های آماری، یعنی ضریب همبستگی پیرسون فرضیه‌های تحقیق به بوطه آزمایش گذاشته شد. مقدار این ضریب بین «منفی یک» تا «مثبت یک» تغییر می‌کند که عدد «یک» به معنای همبستگی «مثبت کامل» و عدد «منفی یک» به معنی همبستگی «منفی کامل» است.

در این قسمت یافته‌های حاصل از کار میدانی که از طریق پرسشنامه به دست آمده در سه بخش جداگانه ارائه می‌شود. اول نتایج مربوط به جامعه آماری متخصصین، سپس نتایج حاصل از تکمیل پرسشنامه توسط اطفال و نوجوانان مشغول به تحصیل خارج از کانون و در انتها نتایج به دست آمده از مددجویان پسر مقیم در کانون اصلاح و تربیت بیان می‌شود. جامعه آماری در بخش نخست افراد متخصص در حوزه‌های جرم‌شناسی، مددکاری اجتماعی، روانشناسی، قضات، ضابطان دادگستری، کارشناسان رسانه، اهالی سینما و همچنین برخی از دانشجویان رشته‌های مرتبط بوده‌اند. حجم نمونه ۱۰۰ نفر در نظر گرفته شده که به صورت تصادفی از میان گروه‌های فوق انتخاب شدند. در پرسشنامه مربوط به متخصصین ۷ سؤال مطرح شد که پرسش‌ها در راستای فرضیه‌های پژوهش مطرح شده که در بخش یافته‌های تحلیلی به بررسی آن‌ها پرداخته خواهد شد. پرسش‌هایی که پاسخ آن‌ها در قالب کمیت ارائه شده دارای پنج گزینه پاسخ‌دهی بوده که بیشینه و کمینه پاسخ هر پرسش در قالب «خیلی زیاد» و «هیچ‌گونه اطلاعی در این باره ندارم» مطرح شده است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های مربوط به جامعه آماری متخصصین: در پرسش نخست درباره نقش آثار سینمایی در سوق دادن اطفال و نوجوان (پسر) به سمت بروز رفتارهای معارض قانون، دیدگاه متخصصین چنین بود که ۴۹٪ پاسخ‌دهندگان گزینه «زیاد» و ۳٪ گزینه «خیلی کم» را انتخاب نمودند که با توجه به فرضیه نخست پاسخ‌دهندگان این امر که آثار سینمایی در سوق دادن اطفال و نوجوانان به سمت ارتکاب رفتارهای معارض قانون دارای تأثیر است را تأیید نمودند. در خصوص فرضیه دوم دو سؤال مطرح گردید مبنی بر این که پاسخگویان بیان نمایند نحوه تأثیرپذیری صرفاً از طریق تقلید است یا یادگیری از طریق مشاهده هم دارای نقش است. همچنین ارزیابی آن‌ها از میزان هم‌ذات‌پنداری اطفال و نوجوانان پسر از شخصیت‌های منفی چقدر است.

در پرسش دوم تقاضا شد پاسخ‌دهندگان ارزیابی خود را درباره نحوه تأثیرپذیری اطفال و نوجوانان از آثار سینمایی از طریق «یادگیری شیوه‌ها» و یا «تقلید» بیان نمایند. پاسخگویان در باب تقلید ۵۰٪ گزینه «زیاد» و ۲٪ گزینه «خیلی کم» را انتخاب نمودند. همچنین در باب تأثیرپذیری از طریق یادگیری مشاهده‌ای شیوه‌ها، گزینه «خیلی زیاد» مورد انتخاب ۵۶٪ و گزینه «خیلی کم» مورد انتخاب ۲٪ آنان بوده است. این امر ضریب همبستگی مثبت را نشان می‌دهد که شدت آن در تأثیرپذیری از طریق یادگیری مشاهده‌ای شیوه‌ها به مراتب بیشتر از یادگیری از طریق تقلید است. در خصوص ارزیابی میزان هم‌ذات‌پنداری اطفال و نوجوانان پسر از شخصیت‌های منفی فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی ۵۰٪ پاسخگویان گزینه «خیلی زیاد» و ۶٪ نیز «هیچ گونه اطلاعی در این باره ندارم» را گزینه انتخابی خود مطرح نمودند که این امر میزان اهمیت روانی آثار سینمایی بر اطفال و نوجوانان نشان می‌دهد. یکی از سؤالاتی که از متخصصین شد، تأثیر ژانرهای مختلف فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی، در بروز رفتارهای معارض قانون در اطفال و نوجوانان پسر بود. در خصوص فیلم‌های جنایی ۵۳٪ پرسش‌شوندگان این ژانر را در بروز رفتارهای معارض قانون علیه اشخاص، ۴۸٪ علیه اموال و ۴۰٪ علیه امنیت «خیلی زیاد» مؤثر دانسته‌اند. ۸٪ پرسش‌شوندگان تأثیر ژانرهای عاشقانه - عاطفی، در بروز رفتارهای معارض قانون علیه اشخاص را «خیلی زیاد»، ۱۰٪ علیه اموال و ۰٪ علیه امنیت مؤثر دانسته‌اند و در مقابل به ترتیب ۴۵٪، ۵۶٪ و ۴۰٪ تأثیر این آثار را علیه اشخاص، اموال و امنیت «کم»، «خیلی کم» و «کم» بیان نموده‌اند. در خصوص تأثیر فیلم‌های خانوادگی بر سه دسته از جرائم فوق پاسخ پرسش‌شوندگان به ترتیب درباره جرائم علیه اشخاص، اموال و امنیت: ۴۵٪ «زیاد»، ۳۷٪ «خیلی کم» و ۴۰٪ «خیلی کم» را انتخاب نمودند. یکی از پرسش‌های مطرح‌شده از گروه متخصصین این بود که تماشای آثار سینمایی سبب بروز کدام یک از رفتارهای معارض قانون در اطفال و نوجوانان می‌شود. فیلم‌های جنایی را ۵۰٪ پاسخگویان در بروز «درگیری‌های فیزیکی» مؤثر می‌دانند، این در حالی است که تأثیر فیلم‌های عاشقانه را در بروز این دسته از جرائم «هیچ کدام» از پاسخگویان مؤثر ندانسته‌اند. همچنین نقش فیلم‌های عاشقانه را در بروز جرائم جنسی ۶۵٪ مؤثر توصیف کرده‌اند و در مقابل ۶۰٪ معتقد بودند فیلم‌های خانوادگی سبب بروز هیچ رفتار معارض قانونی نمی‌شوند.

این که کدام دسته از آثار سینمایی در بروز رفتارهای معارض قانون اطفال و نوجوانان بیشترین تأثیر را از خود بر جای می‌گذارند که در پاسخ ۶۱٪ «فیلم‌های جنایی» را دارای بیشترین تأثیر برآورد کرده و ۵٪ نیز فیلم‌های خانوادگی را دارای بیشترین تأثیر می‌دانستند و سهم فیلم‌های عاشقانه را ۳۰٪ پاسخ‌دهندگان دارای بیشترین تأثیر می‌دانستند. آخرین پرسشی که مطرح شد این است که اگر اطفال و نوجوانان پسر تحت تأثیر یک اثر سینمایی مرتکب جرمی شوند، ترجیح می‌دهند قربانیان خود را از میان کدام دسته از افراد انتخاب کنند که ۵۸٪ معتقد بودند قربانیان خود را از میان «اطفال و نوجوانان» انتخاب می‌کنند و ۹٪ نیز معتقد بودند، «بزرگسالان» را به عنوان قربانی انتخاب می‌نمایند و ۲۲٪ هم بیان داشتند که «در انتخابشان ترجیحی ندارند».

اطفال و نوجوانان پسر غیر کانونی که به عنوان گروه کنترل انتخاب شده و دارای پرسشنامه‌ای مشابه با گروه آزمایش بودند. این پرسشنامه از ۴۱ سؤال تشکیل شده که در راستای نظریات جرم‌شناسی و فرضیات پژوهش تهیه شده بود. در این گروه ۵۰ نفر مورد پرسش قرار گرفته که ۱۷ نفر آنان ۱۲ تا ۱۵ ساله (متولدین بعد از فروردین ۱۳۸۰ ش.) و ۳۳ نفر نیز بالای ۱۵ سال بودند (یعنی متولدین قبل از ۱۳۸۱ ش.) که همگی پسر بودند.

یافته‌های مربوط به اطفال و نوجوانان مشغول به تحصیل خارج از کانون: در این بخش به تحلیل یافته‌ها در قالب روابط دو متغیره پرداخته می‌شود که از ضریب همبستگی پیرسون بهره برده‌ایم. علامت مثبت ضریب همبستگی پیرسون نشان از رابطه مثبت بین متغیرهاست و علامت منفی نشان از رابطه معکوس بین دو متغیر دارد. برای نشان دادن شدت روابط دو متغیر نیز به سطح ترتیبی «کم»، «متوسط»، «زیاد» متوسل می‌شویم. در خصوص تأثیرپذیری اطفال و نوجوانان از آثار سینمایی از طریق «یادگیری مشاهده‌ای» و «فرایند مدل‌سازی» بین میزان تماشای آثار سینمایی توسط این گروه و رفتارهای معارض قانونی که ناشی از فرایند مدل‌سازی است، «همبستگی مثبت» با سطح «کم» قابل مشاهده است که ضریب همبستگی پیرسون عدد مثبت ۰/۳۹۹ را نشان می‌دهد، بدین معنا که هر چقدر میزان تماشای آثار سینمایی بیشتر می‌شود، اطفال و نوجوانان از طریق فرایند مدل‌سازی بیشتر تحت تأثیر قرار می‌گیرند، اما در این گروه همبستگی بین انجام رفتار مجرمانه و تماشای آثار سینمایی با ضریب همبستگی ۰/۲۲۳ قابل مشاهده است و در سطح معناداری «کم» وجود دارد، به نحوی که این فرضیه ثابت نمی‌شود که تماشای این آثار در بزه‌کاری مؤثر است، بلکه تنها می‌تواند دارای نقش باشد، چراکه ۶۴٪ به صراحت بیان نموده‌اند از طریق تماشای فیلم روش‌های مجرمانه را یاد گرفته‌اند، اما تنها ۳۸٪ اذعان نمودند که از روش‌ها در جایی استفاده کرده‌اند. بین جذابیت تماشای آثار سینمایی خشونت‌آمیز که ۶۰٪ ابراز تمایل به تماشای این آثار داشته‌اند و تمایل به ارتکاب رفتارهای مجرمانه سرقت، تخریب، ضرب و جرح و رفتار جنسی همبستگی از نوع «مثبت» و «منفی» وجود دارد، به این نحو که بین تمایل به تماشای فیلم‌های خشونت‌آمیز و سرقت همبستگی «منفی» حکم‌فرما بوده و ضریب پیرسون عدد منفی ۰/۲۵۳ را نشان می‌دهد، اما بین تمایل به رابطه با جنس مخالف و دیدن این آثار همبستگی «مثبت» در سطح معناداری «متوسط» دیده می‌شود که ضریب پیرسون عدد ۰/۴۵۵ را نشان می‌دهد و ۴۰٪ پاسخگویان بیان داشته‌اند در سطح «زیاد» تمایل به برقراری رابطه با جنس مخالف را دارند. همچنین بین تماشای این آثار و تخریب و ضرب و جرح همبستگی «مثبت» در سطح معناداری «پایین» وجود دارد، به طوری که ضریب پیرسون به ترتیب اعداد ۰/۰۲۲ و ۰/۰۴۸ را نشان می‌دهد. مددجویان پسر مقیم کانون که به عنوان گروه آزمایش انتخاب شدند. در این گروه ۵۰ نفر مورد پرسش قرار گرفت که ۱۵ نفر آنان زیر ۱۵ سال (متولدین بعد از فروردین ۱۳۸۰ ش.) و ۳۵ نفر نیز بالای ۱۵ سال بودند (یعنی متولدین قبل از ۱۳۸۱ ش.) که همگی پسر بودند.

یافته‌های مربوط مددجویان پسر مقیم در کانون: در این بخش به تحلیل یافته‌ها در قالب روابط دو و چند متغیره پرداخته می‌شود. همچنین از ضریب همبستگی پیرسون بهره خواهیم برد. علامت مثبت ضریب همبستگی پیرسون نشان از رابطه مثبت بین متغیرهاست و علامت منفی نشان از رابطه معکوس بین دو متغیر دارد. برای نشان دادن شدت روابط دو متغیر نیز به سطح ترتیبی «کم»، «متوسط» و «زیاد» متوسل می‌شویم. در خصوص تأثیرپذیری اطفال و نوجوانان از آثار سینمایی از طریق «یادگیری مشاهده‌ای» و «فرایند مدل‌سازی» بر اساس نتایج به دست‌آمده از پاسخنامه بین میزان تماشای آثار سینمایی توسط این گروه قبل از حضور در کانون و رفتارهای معارض قانونی که ناشی از فرایند مدل‌سازی است، همبستگی «مثبت» با سطح «متوسط» قابل مشاهده است که ضریب همبستگی پیرسون عدد ۰/۴۲۹ را نشان می‌دهد، بدین معنا که هر چقدر میزان تماشای آثار سینمایی بیشتر می‌شود، اطفال و نوجوانان از طریق فرایند مدل‌سازی بیشتر تحت تأثیر قرار می‌گیرند، اما در خصوص «تقلید» از شخصیت‌های آثار سینمایی و رفتارهایی که به واسطه آن در کانون به سر می‌برند، ضریب همبستگی «مثبت» با سطح «متوسط» دیده می‌شود که عدد ۰/۴۳۸ قابل مشاهده است. در این گروه همبستگی بین انجام رفتار معارض قانونی منتهی به محاکمه و تماشای آثار سینمایی با ضریب همبستگی ۰/۲۵۵ قابل مشاهده است که سطح معناداری «کم» را نشان می‌دهد، به نحوی که این فرضیه ثابت نمی‌شود که تماشای این آثار در رفتار منتج به محکومیت آن‌ها دارای تأثیر تام بوده است، بلکه تنها می‌تواند دارای نقشی کم‌رنگ و انگیزشی با سطح معناداری «متوسط» باشد، چراکه ۷۳٪ پاسخگویان بیان نموده‌اند به واسطه تماشای آثار سینمایی روش‌های مجرمانه را یاد گرفته، اما تنها ۴۵٪ مطرح نمودند که از روش‌ها در جایی استفاده کرده‌اند. بین جذابیت تماشای آثار سینمایی خشونت‌آمیز که ۷۸٪ ابراز تمایل به تماشای این آثار داشته‌اند و تمایل به ارتکاب رفتارهای مجرمانه سرقت، تخریب، ضرب و جرح و رفتار جنسی همبستگی از نوع

مثبت وجود دارد، به این نحو که بین تمایل به تماشای فیلم‌های خشونت‌آمیز و سرقت همبستگی مثبت حکم‌فرما بوده و ضریب پیرسون عدد ۰/۲۴۱ را نشان می‌دهد، اما بین تمایل به رابطه با جنس مخالف و دیدن این آثار همبستگی «مثبت» در سطح معناداری «زیاد» دیده می‌شود که ضریب پیرسون عدد ۰/۴۵۵ را نشان می‌دهد و ۵۳٪ بیان داشته‌اند در سطح «زیاد» تمایل به برقراری رابطه با جنس مخالف را دارند. همچنین بین تماشای این آثار و تخریب و ضرب و جرح همبستگی مثبت در سطح معناداری «متوسط» و «زیاد» وجود دارد، به طوری که ضریب پیرسون به ترتیب اعداد ۰/۲۲۲ و ۰/۳۴۸ را نشان می‌دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

دیدگاه‌های موجود در ارتباط با نقش آثار سینمایی بر رفتارهای معارض قانون اطفال و نوجوانان نشان می‌دهد که اثرات آثار سینمایی بسیار گسترده و متفاوت می‌باشد، به طوری که نقد و بررسی این اثرات بسیار پیچیده است. درباره تأثیرات آثار سینمایی سه دیدگاه وجود دارد: دیدگاه افراطی، تفریطی و بینابین. (عبداللهمیان، ۱۳۸۴). طرفداران دیدگاه افراطی معتقدند آثار سینمایی دارای چنان قدرتی هستند که می‌توانند نسلی تازه برای اولین بار در تاریخ پدید آورند. طرفداران این دیدگاه قدرت آثار سینمایی را با قدرت بمب اتم مقایسه می‌کنند. ژان کازنو در کتاب «جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی» در این باره می‌نویسد: این اندیشه در نظر مردم رواج یافت که وسایل ارتباط جمعی قدرتی فوق تصور دارند و می‌توانند افکار را منقلب نموده و به اختیار، تمامی رفتارها را هدایت نمایند. این وعده بر ساز و کارهایی چون هدایت از راه دور تأکید می‌کنند و معتقدند که درونی‌کردن هنجارها، موجبات آشتی انسان را با خواست جامعه فراهم می‌آورد. بنابراین از طریق وسایل ارتباط جمعی می‌توان اخلاق اجتماعی را نزد نوجوانان با درونی‌کردن هنجارهای اخلاقی تقویت و تحکیم نمود. (ستوده، ۱۳۸۵: ۶۵).

طرفداران دیدگاه تفریطی معتقدند وسایل ارتباط جمعی تأثیر چندانی بر مخاطبین ندارد و دیگر دوران سلطه وسایل ارتباط جمعی پایان یافته است. این عده معتقدند که وسایل ارتباط جمعی علی‌رغم تکنولوژی برتر که از آن استفاده می‌کنند، با موانع بسیاری در راه اثرگذاری بر دیگران مواجه‌اند. دیدگاه بینابینی نظر بر این دارد که باید پذیرفت که وسایل ارتباط جمعی، ابزاری فرهنگی به معنای عالی آن هستند، از این جهت اثرات چشم‌گیری بر جا می‌گذارند، اما این آثار نه آن چنان است که هیچ محدودیتی را نشناسد (دیدگاه افراطی) یا آنکه چنان ناچیز است که هیچ اعتنایی را شایسته نباشد (دیدگاه تفریطی)، بلکه باید دید میزان تأثیر این وسایل چقدر است و در چه شرایطی این تأثیرات محدودیت می‌یابند و یا تقویت می‌شوند. به نظر می‌رسد که این دیدگاه سوم واقع بینانه‌تر باشد، ضمن این که نتایج این پژوهش نیز مؤید یافته‌های این دیدگاه است (عبداللهمیان، ۱۳۸۴). محتوای آثار سینمایی به دقت تهیه شده و قالب واقع‌گرایی آن، اطفال و نوجوانان را جذب استنباط مفهومی از محتوا می‌کند که درباره زندگی واقعی جهانی که فیلم‌ها ظاهراً آن را ترسیم می‌کند، چندان چیزی نمی‌دانند. آثار سینمایی، چون اطفال را با مسائل و ارزش‌های افراد بالغ در تماس قرار می‌دهد، اضطراب‌های آنان را در مورد آینده‌شان و به طور کل احساس عدم امنیتشان را افزایش می‌دهد و خیلی زود پیچیدگی، شرایط خانوادگی و اجتماعی و انسانی را بر آن‌ها آشکار می‌سازد. وقتی اطفال یا نوجوانان با خانواده یا همسالان خود روابط رضایت‌بخشی ندارد، اغلب به رسانه‌های تصویری رو می‌آورند و آنجا می‌توانند برای مدتی تنش‌های خود را کاهش دهند، اما وقتی برخی دیگر از متغیرها وارد قضیه شود، این رابطه دیگر یک رابطه ساده نیست. اگر به اطفال دارای هوش و پایگاه اجتماعی پایین توجه شود، چنانچه روابط آنان با والدین یا همسالان خود رضایت‌بخش نباشد، چه اتفاقی روی می‌دهد؟ در این حالت برخورد بیشتر موجب تماشای بیشتر نمی‌شود، اگر امری هم روی دهد، کاهش در تماشاست. کیفیت روابط کودک با خانواده و گروه همسالان به تعیین میزان تماشای رسانه‌ها کمک می‌کند. نوجوانی که به دلیل ناکامی در روابط خانوادگی یا روابط با دوستان از پرخاشگری آکنده است، احتمالاً در جستجوی محتوای خشونت‌آمیز آثار سینمایی است و آن را به یاد می‌آورد. اگر روابط اجتماعی وی رضایت‌بخش نباشد، احتمال دارد بر اساس خیال‌پردازی حاصل از فیلم‌ها دست به اعمال ضد اجتماعی زند. اگر وی برای پاسخ به نیازهایش در پی خشونت باشد، خشونت اکران‌شده در فیلم‌ها را به یاد آورده و آن را زنده می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۴).

تأثیرات رفتاری آثار سینمایی بیشترین نگرانی را ایجاد کرده است، ولی این تأثیرات تقریباً قابل کنترل هستند. تقلید از بازیگران فیلم‌ها، هم‌زیستی و هماهنگی اطفال و نوجوانان را با بزرگسالان دشوار کرده است. تحت تأثیر افکار تلقین‌شده به وسیله فیلم‌ها، ناسازگاری اجتماعی بروز می‌کند. اطفال و نوجوانان از لحاظ تجسم ذهنی به معیارهایی می‌گرایند که ساخته جوامع دیگر و هماهنگ با ویژگی آنان است. اغلب اطفال و نوجوانان پس از تماشای آثار سینمایی دستخوش هیجانات می‌شوند و چون به طور طبیعی اقلان نمی‌شوند، دچار حالت عصبی شده و دائماً با خود و زندگی در جنگ و ستیزند. فیلم‌ها برای اطفال و نوجوانان رؤیای شیرین می‌سازند و در نظر آنان ملموس‌تر از واقعیت جلوه می‌کنند. هرگاه آثار سینمایی با توجه به سطح فرهنگی و مبانی اخلاقی و مخصوصاً گروه‌های سنی تولید نشوند، در بروز جرائم تأثیر خواهند داشت (رحمانیان، ۱۳۸۰: ۳۸). جرم‌شناس سوئدی کین‌برگ معتقد است ارتباطات جمعی و رسانه‌های تصویری در اعماق وجود افراد تلقین‌پذیر برای ارتکاب جرائم نفوذ می‌کنند. بزرگسالان به غیر واقعی و تصنعی بودن اتفاقات فیلم‌ها واقفند، اما بیشتر اطفال و نوجوانان آن‌ها را واقعیت پنداشته و مظهری از زندگی جدید تصور می‌کنند، در حالی که در خارج از دنیای فیلم، واقعیت‌ها، متفاوت از موضوع فیلم‌هاست (نیومن، نیومن، ۱۳۸۸).

به نظر دانشمندان، «پالایش درونی» یا «تخلیه هیجانی»^۱ واکنشی است که فرد در تقابل نابرابر با سرنوشت از خود نشان می‌دهد. تخلیه هیجانی عبارت است از واکنش آزادسازی نیروی روانی با یادآوری هیجان‌های سرکوب شده یا تعارض‌های حل‌نشده و زیان‌آور برای بهداشت روانی نقش پالایش سینما در تماشای فیلم‌های تخیلی و ماجراجویانه مانند جنگ ستارگان، فرار از زندان و یا بیست و چهار بسیار مهم است. ساختار این آثار با زندگی معمولی مناسبتی ندارد. روانشناسان در پاسخ به این پرسش که چرا این‌گونه آثار با این همه استقبال رو به رو می‌شوند، معتقدند: فیلم‌های تخیلی، نقش پالایش روانی دارند. بدین صورت که تنش‌های زندگی بی‌پایان است و انسان همیشه با ناکامی و اضطراب‌هایی رو به روست. فیلم‌های تخیلی به انسان‌ها اجازه می‌دهند که به طور موقت بر اضطراب‌ها و ضعف‌های خود غلبه کنند و از طرف دیگر مخاطبان این آثار از این‌که آن اتفاقات برای‌شان روی نداده، خوشحال می‌شوند. با قهرمانانی که با ناکامی‌ها، دشواری‌ها و ناملازمات رو به رو می‌شوند، همانندسازی کنند، خود را جای آنان می‌گذارند و بر مشکلات پیروز می‌شوند (کازنوو، ژان، ۱۳۸۷: ۸۴).

بزه‌کاری رفتاری پیچیده است که معمولاً رشد آن منبث از چندین ریشه است. عمده‌ترین این ریشه‌ها معمولاً وجود نوعی فقدان بزرگ در زندگی طفل یا نوجوان است که اغلب عبارت است از خانواده از هم پاشیده، یا نوعی احساس مورد پذیرش واقع‌نشده و سینما حداکثر یک علت جانبی در بروز جرم می‌تواند باشد (شرام، ۱۳۸۰). یافته‌های مطالعات گوناگون نشان می‌دهد میان متغیرهای مستقل (نوع آثار سینمایی و میزان تماشای آن‌ها) و متغیر وابسته (رفتارهای معارض قانون اطفال و نوجوانان) رابطه معناداری وجود دارد. نمایش آثار جنگی، افزایش صحنه‌های سرقت‌های ماهرانه و صحنه‌های قبیح هر کدام در نوع خود باعث ایجاد آثار منفی بر اطفال و نوجوانان و گرایش آنان به اعمال رفتارهای مجرمانه گردیده است. بدیهی است آشنایی با این‌گونه مسائل هرروز برگستره رفتارهای مجرمانه اطفال و نوجوانان می‌افزاید. برخی از مهم‌ترین تأثیرات به وجودآمده عبارتند از: تحول هویت، در فرایند جهانی‌شدن آثار سینمایی در بستر تضعیف پایگاه‌های هویت‌ساز گذشته تکثیر و مصرف می‌شود و در اطفال و نوجوانان هویت‌های جدید با محوریت مصرف کالاهای فرهنگی شکل می‌گیرد که اغلب به انحرافات ختم گردد.

تحول آموزشی و تربیتی، سرپرستان اطفال و نوجوانان نسبت به محتوای آثار سینمایی حساسند، اما نسبت به تأثیرات منفی استفاده مستمر از این آثار جدای از محتوای آن‌ها حساسیتی نشان نمی‌دهند که این امر می‌تواند نقطه آغاز بزه‌کاری باشد. مهم‌ترین تأثیر آثار سینمایی بر حوزه اخلاق جنسی، عادی سازی روابط جنسی است. تحقیقات درباره انحرافات جنسی نشان داده این آثار روابط جنسی را برای نوجوانان و جوانان طبیعی جلوه می‌دهد که در نتیجه روابط جنسی خارج از محدوده و بی‌بندوباری را افزایش می‌یابد (آزاد فلاح، ۱۳۸۸: ۶۸). تحقیقات نشانگر این است که اطفال و نوجوانان بلافاصله پس از دیدن خشونت در آثار سینمایی به همسالان خود در خانواده یا مدرسه تعرض می‌کنند و رفتارهای مشابه از خود بروز می‌دهند. در آثار سینمایی، خشونت به وفور و تقریباً مستمر دیده

¹ Catharsis

می‌شود. اطفال و نوجوانان «خشونت» سینما را به چند شکل دریافت می‌کنند: خشونت جسمانی، کلامی، رمزی و خشونت اشیایی. خشونت جسمانی شامل ضربه‌زدن، چنگ‌زدن، خشونت کلامی مانند تهدید کردن، ناسزاگویی است. خشونت رمزی حرکات و اعمالی مانند دنبال کردن کودک به قصد زدن یا تهدید دیگران برای انجام اعمال خشونت‌بار توأم با فعالیت‌های غیر کلامی را شامل می‌شود. نکته جالب در خشونت‌های سینمایی این است که عواقب این خشونت‌ها و به ویژه فاجعه‌ای که ممکن است از آن حاصل شود، به ندرت به تصویر کشیده می‌شود (سهیلی، ۱۳۸۷: ۵۹). تردید نیست که بین آثار سینمایی و رفتارهای معارض قانون رابطه‌ای وجود دارد. این امر مسلم است که موضوع فیلم‌های جنایی از موضوعاتی اقتباس شده که در خارج به وقوع پیوسته است. عاقلانه است از تأثیرات منفی آثار سینمایی غافل نشد، تا خطرات آن در برابر نقاط قوتش کوچک پنداشته نشود.

در این پژوهش نتایج به دست آمده حکایت از آن دارد، در اطفال و نوجوانان غیر بزه‌کار هر چقدر میزان تماشای آثار سینمایی بیشتر می‌شود، از طریق فرایند مدل‌سازی بیشتر تحت تأثیر قرار می‌گیرند، اما در این گروه همبستگی بین انجام رفتار مجرمانه و تماشای آثار سینمایی در سطح معناداری «کم» وجود دارد و این فرضیه ثابت نمی‌شود که تماشای این آثار در بزه‌کاری مؤثر است. بین میزان تماشای آثار سینمایی توسط مددجویان پسرکانون اصلاح و تربیت تهران قبل از حضور در کانون و رفتارهای معارض قانونی که ناشی از فرایند مدل‌سازی است، همبستگی «مثبت» با سطح «کم» قابل مشاهده است، یعنی هر چقدر میزان تماشای آثار سینمایی بیشتر شده، آنان از طریق فرایند مدل‌سازی بیشتر تحت تأثیر قرار گرفته‌اند، اما در خصوص تقلید از شخصیت‌های آثار سینمایی و رفتارهایی که به واسطه آن در کانون به سر می‌برند، ضریب همبستگی «مثبت» با سطح معناداری «متوسط» دیده می‌شود. در این گروه کانونی همبستگی بین انجام رفتار معارض قانون منتهی به محاکمه و تماشای آثار سینمایی سطح معناداری «کم» را می‌بینیم، به نحوی که این فرضیه ثابت نشد که تماشای این آثار در رفتار منتج به محکومیت آن‌ها دارای تأثیر تام بوده است.

از دیدگاه جرم‌شناسی، مجموعه‌ای از عوامل مختلف در بروز رفتارهای معارض قانون اطفال و نوجوانان دخالت داشته که در این میان آثار سینمایی، در فراگیری یا تمایل به سوی قانون‌شکنی نقش دارند و جرم می‌تواند از طریق تماشای آثار سینمایی آموخته شود، هرچند شکل و نوع جرائم از جامعه‌ای به جامعه‌ای دیگر فرق می‌کند، اما عوامل بروز آن تا حدودی یکسان است. با توجه به موارد نتایج پژوهش حاضر می‌توان پیشنهاد کرد که، پژوهش‌های گسترده با جامعه آماری و حجم نمونه کلان انجام پذیرد تا نتایج دقیقی درباره میزان تأثیر آثار سینمایی بر رفتارهای معارض قانون اطفال و نوجوانان در سطح وسیع بررسی شود و نظر به این که کانون‌های اصلاح و تربیت، تنها اماکنی هستند که در خصوص نگهداری اطفال و نوجوان معارض قانون در سطح کشور فعالیت می‌کنند، گرفتن مجوز از این نهادها و در نهایت گرفتن مجوز از اداره کل زندان‌های کشور، برای پژوهش کافی باشد تا از نامه‌نگاری‌های بیهوده جلوگیری شده تا ارزشمندترین دارایی محقق که همانا «وقت» اوست، فنا نشود.

در آثار سینمایی، به علایق و هیجان‌های اطفال و نوجوانان پاسخ داده شود و در قالب آثاری پرهیجان، اما خالی از خشونت و نمادهای انحرافی نیازهای عاطفی آنان برآورده شود. این امر مستلزم حضور روانشناسان تربیتی و متخصصین روانشناسی کودک در تیم تهیه‌کنندگان آثار سینمایی است. همچنین در مدارس اطلاعات سینمایی و سواد رسانه‌ای اطفال و نوجوانان افزایش یابد تا آگاه شوند تقلید محض از الگوهای سینمایی در نقش‌های منفی گرچه به ظاهر ساده است، اما عواقب و پیامدهای خطرناکی دارد که آینده شخص را تباہ می‌نماید، اما عواقب قهرمانان فیلم‌ها مثلاً در آثاری که صحنه‌های هیجانی از سرقت بانک را نمایش می‌دهد، به تصویر کشیده نمی‌شود، عواقبی مانند تحمل سال‌ها رنج زندان. الگوسازی در حوزه سینما معطوف به قهرمان‌پروری در زمینه‌های مثبت اجتماعی و مطابق هنجارهای اجتماعی باشد تا مخاطبانی همچون اطفال و نوجوانان که پوسته آثار سینمایی را درک می‌کنند لاقلاً در جهت مثبت به تقلید پردازند و نه در جرم، جنایت و انواع انحرافات اجتماعی.

منابع

- آزاد فلاح، سیما. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر رسانه‌ها بر بزهکاری نوجوانان (پایان نامه فوق لیسانس)، پیام نور کرج، ایران.
- بیابانگرد، اسماعیل. (۱۳۸۹). فرزند من و رسانه، چاپ اول، ناشر نهاد ریاست جمهوری مرکز امور زنان و خانواده.
- خادمیان، طلیعه. (۱۳۸۷). سبک زندگی و مصرف فرهنگی، چاپ دوم، تهران، انتشارات جهان کتاب.
- دانش، تاج زمان. (۱۳۸۹). مجرم کیست جرم‌شناسی چیست، تهران انتشارات کیهان.
- رحمانیان، منصور. (۱۳۸۰). تأثیر رسانه‌ها بر پیشگیری از جرم (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه آزاد، ایران.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۰). دایره‌المعارف علوم اجتماعی، چاپ اول، تهران، انتشارات کیهان.
- ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، چاپ پنجم، تهران، انتشارات ندای آریانا.
- ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۸۶). روان‌شناسی اجتماعی، چاپ دهم، تهران، انتشارات آوای نور.
- سهیلی، بیژن. (۱۳۸۷). رسانه و مصرف فرهنگی، (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران.
- سورین، ورنر؛ تانکارد، جیمز. (۱۳۸۶). نظریه‌های ارتباطات، علیرضا دهقان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- شامبیاتی، هوشنگ. (۱۳۷۸). حقوق کیفری اختصاصی، جلد اول، چاپ ششم، تهران، سمت.
- شرام، ویلبر. (۱۳۸۰). زندگی و اندیشه پیشستان علم ارتباطات، غلامرضا آذری و زهرا آذری، تهران، رسا.
- شیخاوندی، داور. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی انحرافات و مسائل جامعه‌ی، چاپ دوم، ایران، نشر قطره.
- صمدیار، سعید. (۱۳۹۱). تأثیر صنعت سینما و رسانه بر بزهکاری نوجوانان و جوانان، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی.
- صیاد، سهیلا. (۱۳۹۴). بزه دیدگی کودکان از منظر جرم‌شناسی و حقوق جزا دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- عبداللهیان، حمید و توکلی، اباذر. (۱۳۸۴). ساخت جهان مجازی با دلالت‌های فرانمایی، پژوهش فرهنگی، (۸): ۶۹-۵۵
- علیوردی‌نیا، علی اکبر. (۱۳۸۶). هویت و بحران هویت، چاپ اول، تهران، پژوهشکده جهاد دانشگاهی.
- کازنوو، ژان. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی، منوچهر محسنی، باقر ساروخانی، تهران، چاپ اطلاعات.
- کریمی فرد، علیار. (۱۳۸۵). اثر پذیری کودکان از رسانه‌ای به نام تلویزیون، فصلنامه اصلاح و تربیت تهران، سال چهارم، شماره ۴۹.
- کی‌نیا، مهدی. (۱۳۸۷). جرم‌شناسی، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۵). پیامدهای مدرنیته، محسن ثلاثی، تهران، توتیا.
- محمدی‌اصل، عباس. (۱۳۸۵). بزهکاری نوجوانان و نظریه‌های انحراف اجتماعی، نشر علم، تهران.
- مصطفایی، مهریار. (۱۳۸۸). صنایع فرهنگی، رسانه و تبلیغات، فصلنامه تخصصی مدیریت سال سوم شماره ۹.
- مظفری‌زاده، سجاد. (۱۳۹۱). ترمینولوژی جرم‌شناسی، چاپ اول، تهران، بهینه.
- معظمی، شهلا. (۱۳۹۰). بزهکاری کودکان و نوجوانان، چاپ اول، تهران، انتشارات دادگستر.
- معیدفر، سعید. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی مسایل اجتماعی ایران، چاپ اول، تهران، نور علم.
- نیومن، فیلیپ؛ نیومن، باربارا. (۱۳۸۸). بررسی اثرات تلویزیون بر رشد کودک، اسماعیل بیابانگر، ماهنامه آموزش و پرورش، شماره ۱۵.
- هرمز، مهرداد. (۱۳۸۸). مقدمه‌ای بر نظریات و مفاهیم ارتباط جمعی، چاپ دوم، تهران، انتشارات فاران.
- Dawson A. (2001), The Influence Of The Media On Crime, Journal Of Management
- Holmes D. (2005), Communication Theory, Media, Technology and Society.
- Rgly RP.(1999)The Role of Television in the Fields of Youth Violence, Mass Media, Mass Culture and Introduction. Boston: Mc Graw Hill.

Criminology Affects Children and Adolescents against Law

Sajad Mozafarizade¹

Jafar Koosha^{2*}

Mohamadhosin Hajarian³

Abstract

Purpose: The main purpose of this study was to investigate the possible roots of the occurrence of behaviors contrary to the law of children and adolescents, which could be cinematic works.

Methodology: The research method in the research was "descriptive-analytical" which through library studies and by reviewing the relevant texts and the content of the collected materials to describe and explain the main subject; The statistical population and sample size in the present study were three groups of individuals; The first group consists of 100 specialists in various fields of humanities, including psychologists, judges of criminal courts, lawyers, judicial officers, sociologists, etc; The second group consisted of 50 male clients residing in the correctional center; The third group consists of 50 children and adolescents working outside the correctional center as a normal sample (without a history of attending the correctional center). The sampling method was randomly and with simple random sampling method so that all members of the statistical community had equal chances. The instrument used in the present study was a researcher-made questionnaire. Supplementary questionnaires were analyzed using SPSS software and the degree of correlation between juvenile delinquency with some variables was shown using Pearson Correlation Coefficient.

Result: The results of the study showed that children and adolescents imitate cinematic works and through observational learning, that is, learning by observing the behavior of other people and observing the consequences of that behavior, engage in behaviors that are against the law. There was also a significant relationship between watching movies and anti-law behaviors.

Conclusion: According to the research findings, criminal genres have the greatest impact on children and adolescents in the occurrence of criminal behaviors against persons and property.

Keywords: Crime; Cinematic; Conflict with the Law; Children and Adolescent

¹PhD in Criminal Law and Criminology, Researcher, Ethics and Medical Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

² Associate Professor, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. (Author). jkoosha@yahoo.com

³ Assistant Professor, Department of Law, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran.